

اعلان جنگ روسیه با ایران

۱۲۴۲ هجری

در زمان فتح‌المشاه قاجار دو جنگ میان ایران و روسیه اتفاق افتاد که در هر دو شکست با ایران بود. پس از پایان جنگ اول بموجب عهدنامه «گلستان» بسیاری از ایالات ایران ضمیمه خاک روسیه شد و با این همه چون دولت روس همواره بهانه جوئی و بحدود ایران تجاوز می‌کرد، در سال ۱۲۴۲ هجری جنگ دوم در گرفت و در نتیجه معاهده «ترکمان چای» بسته شد که شرح این وقایع در تواریخ مندرج است.

«اعلان جنگ» دوم را دولت روس در مسکو بزبان فارسی بچاپ رسانده و انتشار داده که هر چند باز خواندن آن برای ما ایرانیان ناگوار است اما چون از جنبه تاریخی ارزشی تمام دارد و ظاهراً ننهانسخته‌ای است که در دسترس است چاپ آن را لازم شمردیم و از علامه بزرگوار جناب آقای تقی‌زاده مدظله که این ورقه و اسناد دیگری را (که بتدریج چاپ خواهیم کرد) بمجله اهلف فرموده‌اند سپاسگزاریم.

متن مکتوب این ورقه ۲۸ در ۵۰ سانتیمتر و بخط نستعلیق متوسط است و تاریخ چاپ و انتشار آن شانزدهم اکتبر روسی ۱۸۲۶ مسیحی است که مطابق می‌شود با ۲۶ ربیع الاول ۱۲۴۲ هجری قمری.

شبهه هائیکه در کیفیت نقض عهد که بلاحق و نصفت از طرف دولت ایران ناگهان بظهور آمد در خاطر دولت روسیه میبود الحال رفع شد در خلال یکماه دولت روسیه هرگز ظن و خیال نمیکرد که شاه ایران هنگامیکه صلح و مسالمت برقرار و مذاکرات دوستانه در میان در کار میبود بی جهت منازعه و بدون سبب شکوا هنوز از محاربه خیر نداده بعسکر خود مقرر فرماید که با راضی دولت روسیه هجوم آورده بدانحوالی شراره فتنه و آشوب القا و باشتعال نایره جنگ و جدال اشتغال نماید اما ظن و اعتقاد دولت روسیه که بنفس الامر موافقت داشت محض خیال باطل میبود از آنجا که بعدود روسیه علی الغفله تجاوزکننده چنانکه دولت روسیه از فرط خیر خواهی و اعتدالیکه دارد مظنه می‌برد نه از قبائل همجواران وحشی بوده بلکه برچند نفر از عسکر روسیه که بمحافظت سنور و تقور مقرر میبودند علی الفور هجوم آورنده و بمیان ولایات همحدود داخل شوند بلا اشتباه عسکر ایران بوده و سالار لشکر مزبور نه از سرکردگان فتنه انگیزیکه از اوامر پادشاه ایران روگردان باشند بوده بلکه عسکر مزبور را سوق کننده و ایشان را بحمله مرتب گرداننده و اهالی آنولا را بعصیان تحریک و ترغیب سازنده بالفعل ولی عهد و وارث تاج و تخت ایران بوده است در این صورت دولت روسیه که بمقابله اقتدار با اقتدار و حرب با حرب مجبور است اگر مواد اشتکای دولت ایران رامیشناخت و یا دریافت میساخت هرآینه اسنادات دولت ایران را که بوجوب این گونه منتهای اسباب و حرکات اساس اتخاذ کرده از لوازم دانسته در

مواجههٔ دول اروپا رد و ابطال مینمود فاما دولت روسیه بسبب مواد نزاع که بعد از این بقوت عسکریه خود فصل و قطع خواهد شد اگر واقف نمی باشد. لکن علائق و معاملاتیکه بادولت مذکوره جریان بوده است بطریق اجمال تحریر و اشعار نموده از طرف دولت ایران بظهور این مقوله پیمان شکنی و وضع و حرکتی که منافی جمیع اصول حقوق ملل میباشد اصلاً مترقب نگشته برای اثبات این مدعا بدینمنوال بسط کلام و مقال می گردد که در وقتی که اتفاق و اتحاد کافهٔ دول که ممالک اروپا را از آفات تغلب تخلیس و بین الخلائق اساس صلح و صلاح راموسس کرد بنا بر فتوحات که ابدالاباد در السئهٔ خاص و عام مذکور خواهد شد اقصى الغایه اشتها یافت بمعنای الله تعالی مساعی حریبهٔ دولت روسیه در محاربهٔ که بادولت ایران داشت مظهر توفیقات ربانی شده از ولایات ایران ایالات موفوره بتصرف عسکر روسیه در آمده از جهت فتوحات متوالیه چون دولت ایران طالب مصالحه گردید لهذا بتاریخ دوازدهم ماه تشرین اول سنهٔ هزار و هشتصد و سیزدهم عیسویه در چمن گلستان بین الدولتین یکقطعه عهد نامهٔ مصالحه منعقد شده از آنوقت بمنطوق عهد نامهٔ مذکور ضوابط علائق و روابط معاملات جانبین مقرر و بنا بر اساسیکه علی حالها ابقا باید شد چگونگی تصرفات و تملکات طرفین معین گردیده از مواد اصلیه آنکه دولت روسیه بدولت ایران متعهد شد یکی آنست که شاه ایران از شهرادگان خود هر که را انتخاب کرده ولی عهد گرداند دولت روسیه او را بالاستحقاق وارث تاج و تخت ایران دانسته قبول نماید ثانیاً حدود جدید که در ولایات که ضمیمهٔ ممالک روسیه گردیده و بموجب عهد نامهٔ گلستان معین شده بود امر تعدید آنرا باتفاق مأموران دولت ایران با تمام رساند اول تعهد مذکور از جانب دولت روسیه بدقت تمام اجرا شده هنگامیکه فتحعلیشاه پسر خود عباس میرزا را ولی عهد خود نامزد کرده اعلام نموده بود دولت روسیه نیز میرزای معظم الیه راشایستهٔ تاج و سریر دیده نیابت او را بدون تأنی تصدیق نمود ولیکن امر تعیین سرحد و سنور از جهت وقوع بعضی مباحثات در عقد تعویق مانده پیش از قطع منازعه پادشاه اعظم و امپراطور اکرم علیکساندر اول که شان و شوکت خود را بمسئدراج اعلی رسانیده بود اگر چه بدار عقبا ارتحال کرد اما در عهد سلطنت او مذاکرات و مکالمات که در مباحثات جزویهٔ مذکوره بادولت ایران واقع شده بود بحقیقت و اعتدال پادشاه مرحوم که در تدبیر امور ملکیه موصوف گشته دلیل شایسته او امر و تأکیدات که بو کلاء دولت خود و بایلچیان و مصلحت گذاران که بدولت ایران مأمور بودند و بتمامی کار کنان گرجستان فرموده بود بدین نهج است که آثار دوستی و مسالمت و حسن موآلفت را از قراریکه دولت روسیه با سایر دول ملتزم دارد در معاملات بادولت ایران کذلک بدقت تمام مرعی داشته بشعوی رفتار کنند که بشاه و بولی عهد او و کلاء دولت ایران بقیین حاصل گردد که دولت روسیه هرگز در هوا و هوس ضبط ممالک نمیباشد و در مضمح نظر بغیر ازدوام آسایش و اجرای شروط معهوده چیز دیگر نه وهم از وضع و حرکتی که باعث سوء ظن و شکایت دولت ایران بوده باشد احتراز کرده اجتناب نمایند خلاصهٔ کلاء بقیهٔ مباحثهٔ که در فیما بین دولتین مسانج گردیده موجب آن میباشد که از زمان انقطاع مخاصمت اراضی که در مابین آنها که نگیچی و چودار واقع است و مضمون عهدنامهٔ گلستان بدولت روسیه منتقل و

متعلق گشته بود الی حال در تصرف دولت ایران باقیست و دولت روسیه نیز در تقابل آن در سواحل دریایچه کو کچه که در مابین غرب و شمال فاصله جبال است قراولخانه‌ها ساخته بود امپراطور مرحوم از مباحثه مدعیات دولت ایران اعراض و برای رد سواحل مزبوره بدولت ایران استرداد اراضی دولت روسیه را که تا آن زمان در تصرف دولت ایران بود مطالبه و باینکه مبادله اراضی مذکوره را که معمور و محصولدار است بآن سواحل دریایچه مزبور که قلیل الوسعه و کم علف میباشد و بجزء از قریب بدریایچه فضیلت ندارد اعلام فرمودند کیفیت تحدیدات لازمه در آنخصوص پیشنهاد و کلاه دولت ایران گردیده بعد از توضیحات و تفسیرات که مدت متمادیه بین الدولتین متداول شده و به هیچ وجه از آن تقاری بخاطر نیامده در ماه آذر سنه هزار و هشتصد و بیست و پنجم عیسویه رای جانبنین مقترین گشته در حین فوت پادشاه غفران جایگاه علامات اختتام مباحثه و معارضه که بآرام و خوشی گذشته بود رونمود در این وقت که چون اعلیحضرت پادشاه اعظم و امپراطور اکرم نیکولای که باطوار و افکار صایبه سلف بزرگوار خود وارث شدند باثر برادر مرحوم خود بر رغبت تام اقتدا کرده جلوس همایون خود را بجهت تبلیغ شاه ایران و بنائب السلطنه عباس میرزا در ماه کانون ثانی جنرال مایور کنیاز منشیقوف را بایلچی گری تعیین و بانامهای شاهانه که بعبارات محبت آمیز مشعر باخص میل و رغبت امپراطوری در اجرای شروط و عهود و تشید قواعد صلح و مسالمت بود بدولت ایران ارسال و بکنیاز مرقوم رخصت کامله داده تا کید فرموده بودند که بتمشیت قضیه مباحثه که تا حال باعث تعویق تحدید سنور میبود پردازد و خصوص مبادله را بطریقی که مذکور شد تکرار بیان نماید و جهت ترویج مصلحت دولت بوجه احسن و انفع و برای اظهار مقاصد خالصانه دولت روسیه در باب مبادله باراضی مزبوره که الی الان در تصرف ایرانست قطعه از ایالت طالش علاوه کند و از استقامت ضمیر صفوت تخمیر معدلت مشحون اعلیحضرت امپراطور پادشاه ایران و بعیاس میرزا علم یقین حاصل گردانند و اقتدار دولت روسیه را که بحقانیت و نصفت مربوط است بوضوح رسانیده و هر جهات سو عطن و توهم دولت ایران را رفع کرده تلقین سازد که تشید و استحکام مبانی خلت و ودادیکه بتقریب مصالحه در فیما بین دولتین رسوخ یافت محض صلاح دولت طرفین و مقتضای مصلحت جانبنین میباشد و اعلیحضرت امپراطور نیکولای نیز مانند برادر مرحوم خود جز از وقایه عهد نامه مطلبی ندارند القصه مأموریت سفیر مومی الیه این بوده که دولت ایران در مقابل آن با جنگ و جدال جواب داده احوال و حادثات اصلیه که بعد از این بظهور آمد از اینقرار بوده است که سفیر مذکور هنگام ورود بحدود ایران در کمال تعظیم و تکریم قبول شده و حین وصول به تبریز عباس میرزا لوازم عزت و احترام را درباره او میندول و اظهار مراسم دوستی و مصافحات مخالفت مشمول فرموده سفیر مومی الیه برای ادای او امر محوله امپراطوری بصحرای سلطانیه تکلیف میشود و در آن اثنا میان خلائق آنولا غلغله عظمی ظاهر میگردد عباس میرزا سفیر مذکور را در آنجا گذاشته بسرعت تمام بجانب سلطانیه عزیمت و عسکر ایران فی الحال بحدود روسیه روانه آمده در رأس سنور بر چند نفر از عسکر روسیه که بجهت محافظت سرحد مأمور میبودند هجوم آور و نفرات مذکوره را بیازگشتن بمعسکر خود مجبور ساخته باراضی دولت روسیه مستولی میشود چون اعلیحضرت امپراطور اعظم بحرکات خصمانه دولت ایران مطلع گردیدند

درمبادی حال مقدمه تعدی را بسرکشی وعدم اطاعت یکی از سرکردگان ایران که از اراده شاه خود مخبر نباشد حمل کرده فرمودند که در تقض عهد پیش از همه سردارایروان گمان می رود باید که او عبرة للسايرين از امور خود معزول گشته به تنبیه عظیم معاقب گردد درین باب فرمان مرسل ایمراطوری درمجلسی بضابطان گرجستان وصول گردید که حادثه مذکوره علانیه شده اجرای مضمون حکم همایون عديم الامکان بود بجهت آنکه در آنزمان عباس میرزا از صحرای سلطانیه مراجعت و بسرکردگی عسکر مذکور خود قیام کرده قطعه از خاک قره بساغ متعلق دولت روسیه را ضبط و سکان آنحوالی را بصیان تحریک و برای انگیزتن فتنه و فساد میان اهل اسلام رعایای دولت روسیه باطراف و اکناف آن نواحی مخفی آدها فرستاده و اعلام نامها که مشعر بر جهاد فی سبیل الله باشد منتشر نموده درینصورت جایز نیست که اینگونه حرکات ناسزا بی جزا بماند فلینذا دولت روسیه بدولت ایران محاربه را مقرر کرده اعلان آن مینماید که چون عهد نامه گلستان فسخ شده بعد از این تا بتقریب مصالحه مشیده چنانکه لایق شان و شوکت دولت میباشد ضابطه امن و امان را مستحکم نسازد و در عوض غدیریکه شده لوازم ترضیه و مکافات را تلافی نکند هر آینه اسلحه را بزمین نخواهد گذاشت

دردار السلطنه مقوف شانزدهم تشرین اول سنه ۱۸۲۶ عیسویه اعطا گردید

توضیح دیگر

بعد از چاپ متن اعلامیه، سزاوارتر دانستیم عکس آن نیز بطبع رسد و چنانکه ملاحظه میفرمایند و می بینید تقریباً این گزاور سه برابر و نیم از اصل کوچکتر است. در تطبیق عبارات نهایت دقت بکار رفته فقط تفاوت میان «ک» و «گ» رعایت شده. در صفحه قبل سطر ۶ «بجزوء از قریبت»، «بجز از قریبت» است و در سطر ۲۶ بجای «وقایه عهد» ظاهراً «وقا بعهد» درست است. *کتابخانه ملی ایران*

رتال جامع علوم انسانی

استاد ملك الشعراء بهار

بمناسبت حادثه ۱۵ بهمن ۱۳۲۷

کت شاه

| | |
|------------------------------|--------------------------------|
| تیری که فکند خصم بر حضرت شاه | زد بوسه ز مهر بر سر و صورت شاه |
| شه جای تهی نکرد و تیر پنجم | بوسید بعنوان شجاعت کت شاه |